

## نگاه بیانیه گام دوم انقلاب به دانش و فناوری ساخت سلاح هسته‌ای با رویکرد جهش تولید علمی با مشارکت مردمی

□ سعید طالقانی \*

### چکیده

دانش و فناوری اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای در نگاه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مسئله‌ی اصلی این تحقیق است، سؤالی اصلی پژوهش این است که «علم و فناوری در بیانیه گام دوم انقلاب چه جایگاهی دارد؟ حکم دست‌یابی و آموزش فناوری اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای در نگاه بیانیه گام دوم انقلاب چیست؟» این تحقیق، باروش اجتهادی، استدلالی و تحلیلی بدین سؤال‌ها پاسخ داده است که بر اساس آن می‌توان گفت هرچند مجهّز شدن به اصل علم و فناوری روز و جهش تولید علمی از اصول حاکم بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است. اما دست‌یابی به علم و فناوری اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای که مقدمه‌ای تولید و کاربرد آن است، براساس حکم اولی، بامبانی و برخی از آموزه‌های فقهی این رویکرد بسان؛ افساد، ضرر و اعانه برائتم و اصول حفظ جان ابریا و سایر موجودات جهان و محیط زیست سازگاری ندارد. لکن در عین حال اگر چنانچه دست‌یابی به آن باعث بازدارندگی دفاعی گردد و یا سبب مقابله به مثل، مهندسی معکوس و یا دفع کاربرد سلاح هسته‌ای دشمن شود ایرادی ندارد. این مقاله، حکم علم و فناوری اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای را براساس مبانی فقهی بیانیه گام دوم انقلاب بررسی کرده است.

کلیدواژه‌ها: علم و فناوری ساخت سلاح هسته‌ای، فقه، حکم و بیانیه گام دوم انقلاب.

## مقدمه

از آن جا که همواره در سطح بین الملل موضع گیری های انقلاب اسلامی در خصوص منافات داشتن، یا نداشتن دست یابی به دانش و فناوری اختصاصی ساخت سلاح های کشتار جمعی، با مبانی و برخی آموزه های دین اسلام، از زمان ورود آن در عرصه ی درگیری های نظامی مورد سؤال بوده است. لذا بررسی آن از منظر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، با توجه به حساسیت های موجود جهان بسیار حائز اهمیت است و ضرورت های علمی و عملی و شرایط موجود ایران و سایر کشورهای اسلامی و جهان، ضرورت این پژوهش را تشکیل خواهد داد. از نظر علمی نیز بدون شک دست یابی به علوم و فناوری های گوناگون از جمله دانش هسته ای امروزه، یکی از بزرگ ترین دست آوردهای بشری است، که اهمیت آن بر هیچ کسی پوشیده نیست؛ عملاً نیز این مسأله، یک موضوع چالشی و مورد ابتلاء مسلمانان و پیروان سایر ادیان و مکاتب جهان است. زیرا علم و فناوری انرژی هسته ای و دانش ساخت سلاح هسته ای، تنها مسأله ی اختصاصی جهان غرب نیست؛ بلکه سرنوشت و آینده ی امت انقلابی و همه بشریت نیز به آن گره خورده است! لذا تبیین دقیق این موضوع با تکیه بر مبانی فقهی بیانیه گام دوم انقلاب می تواند موجب شفاف شدن مسایل آن، در عرصه ای بین الملل و جهان اسلام گردد. زیرا امروزیکی از موضوعات چالشی مسأله دست یابی به علم و فناوری ساخت سلاح هسته ای است و با پیشرفت دانش و فناوری ها در عرصه های گوناگون، از جمله در عرصه ی نظامی و دفاعی که با ظهور دانش و تکنولوژی های نوین سلاح سازی مدرن همراه بود شروع شد. از نظر دکتربین نظامی، نیز دست یابی به علم و فناوری ساخت تسلیحات روزآمد و بازدارنده بسیار حائز اهمیت است. لذا مبانی فقهی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز بسان سایر رویکردها برای بازدارندگی دفاعی، برآمدگی دائمی و فراگیری دانش ساخت سلاح های نوین رایج هر عصر تصریح می کند و حتی برخی از نصوص دینی، مبنی بر دست یابی و آموزش دانش و فناوری ساخت سلاح های باز دارنده، برای مقابله با تهدیدهای احتمالی دشمن اقتصادی شأنی دارد. لکن از سوی دیگر مسأله دست یابی و آموزش دانش و فناوری اختصاصی ساخت سلاح هسته ای اگر منجر به تولید و استفاده از آن گردد با توجه به پیامدهای سوء و منفی کاربست آن، که یک پدیده ای زشت و غیر

اخلاقی است؛ باید در این خصوص مبانی فقهی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را جستجو کرد. در خصوص پیشینه موضوع مورد پژوهش می‌توان گفت تاکنون هیچ تحقیقی براساس بیانیه گام دوم و مبانی فقهی آن در این باره صورت نگرفته، طبعاً این موضوع هم‌چنان نیازمند یک تحقیق علمی است. هدف اصلی پژوهش نیز تبیین مبانی فقهی گام دوم انقلاب اسلامی برای فراهم نمودن بستر تصمیم‌سازی جهت دستیابی و آموزش فناوری سلاح‌سازی برای نیروهای اسلام است. روش به‌کارگرفته شده در تحلیل و بررسی فرضیه‌ها و پاسخ‌گوی به سؤال موضوع مورد تحقیق، اجتهادی، استدلالی و تحلیلی است. شیوه‌ای جمع‌آوری اطلاعات نیز در این پژوهش، بیش‌تر کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری می‌باشد.

### مفهوم‌شناسی

الف) واژه‌ی «علم» در لغت، به معنای دانستن و دانش، و نقیض واژه «جهل» است. این واژه مشترک لفظی است و در چهار معنا کار برد دارد: ۱. علم در مقابل جهل، ۲. علم در برابر شك و ظن، ۳. علم به معنای نظام از گزاره‌های حصولی که با روش‌های مختلف کسب معرفت به دست می‌آید، بسان؛ علوم تجربی، فلسفی، تاریخی، عرفانی، ادبی و غیره، ۴. علم به معنای نظام از گزاره‌های حصولی که با روش‌های حسی، تجربی، طبیعی و انسانی به دست می‌آید و در این معنا فقه، اصول، کلام، فلسفه، عرفان، علوم ادبی و تاریخی، علم به شمار نمی‌آیند (مصباح، ۱۳۷۹، ص ۹-۲۱). اما در این بحث مراد از علم در لسان عرف و عقلاء، آن معرفتی است که احتمال خطا در آن وجود ندارد و در ریکرد مبانی فقهی انقلاب اسلامی نیز تولید علمی‌ای معتبر است که قابل تبدیل شدن به فناوری برای ارتقای کیفیت حیات انسانی را داشته باشد (خامنه‌ای، سخنرانی در مشهد، ۱۳۹۰/۱/۱). اما مراد از دانش اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای، دانشی است که فقط برای نحوه ساخت، آزمایش، انباشت، توسعه و کاربرد سلاح هسته‌ای به کار می‌رود. در خصوص تعریف سلاح هسته‌ای نیز گفته شده است: «سلاحی که در ساخت آن از مواد منفجره هسته‌ای و یا از ایزوتوپ‌های رادیواکتیو استفاده شده و در اثر انفجار و یا دیگر تغییرات هسته‌ای، قادر به انهدام یا مسمومیت در سطح بسیار گسترده است» (ممتاز، ۱۳۷۷، ص ۱۴).

ب) فقه؛ اندیشمندان علم لغت، واژه‌ی فقه را به معنای نوع خاص از فهمیدن، ادراک و علم دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۵۲۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ماده فقه؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۱۲۳). در اصطلاح «الفقه هو العلم بالاحکام الشرعیة الفرعیة عن ادلتها التفصیلیة؛ فقه، علم به احکام شرعی فرعی از روی ادله تفصیلی است» (شهیداول، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۲).

ج) حکم؛ واژه‌ی حکم مصدر و اسم مصدر از ریشه «حَ کَ مَ یحکم»، به معنای استحکام و اتقان، (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۱۲؛ فیومی، ۱۴۰۵، ص ۱۴۵). داوری کردن به عدل، دانش و حکمت آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ص ۱۲۶؛ ابن فارس، ۱۴۱۸، ذیل واژه). در اصطلاح، برای آن تعریف‌های گوناگونی مطرح شده، بسان؛ «قانون وضع شده از جانب خداوند، برای تنظیم حیات بشری» (صدر، ۱۴۰۶، ص ۱۶۱). خطاب شرعی، (غزالی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۵۵). بعث ناشی از اراده شارع (خمینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۲۲۵-۲۲۴). و قانونی که شارع مقدس، به منظور اصلاح امور معاش و معاد و رفتار فرد و جامعه تشریع کرده است. «البته فارغ از انواع دیگر حکم، ما دو نوع حکم شرعی داریم، حکم اولی و ثانوی، و نوع دیگری از احکام نیز به نام احکام حکومتی در اندیشه فقهی شیعه وجود دارد. که در استنباط احکام فقهی و اداره‌ی جامعه‌ای اسلامی بسیار مؤثر است. حکم اولی و ثانوی را برخی چنین تعریف کرده‌اند:

حکم اولی حکمی است که بر افعال خداوند به لحاظ عناوین اولی آن‌ها بار می‌شود؛ مثل وجوب نماز و روزه و حرمت نوشیدن شراب، ولی در برابر آن حکم ثانوی، حکمی است که بر موضوعی به وصف اضطرار، اکراه، ضرر، حرج، فساد، و دیگر عناوین عارضی بار می‌شود، بسان؛ جواز افطار، روزه ماه رمضان برای کسی که گرفتن آن، حرجی است و یا ضرر دارد (مشکینی، ۱۴۱۳، ص ۱۲۱؛ خمینی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۴).

د) بیانیه گام دوم انقلاب؛ منشوری است که از سوی مقام معظم رهبری (مدظله) در چهلمین سالروزی پیروزی انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران صادر شده است و رهبر حکیم انقلاب اسلامی با صدور بیانیه گام دوم انقلاب و برای ادامه‌ی راه روشن، به تبیین دستاوردهای شگرف چهار دهه‌ی گذشته پرداخته و توصیه‌های اساسی را به منظور جهاد فی سبیل الله، برای ملت ایران و به‌ویژه جوانان ارائه فرموده‌اند و یکی از توصیه‌های ایشان در خصوص علم و پژوهش است.

ه) مراد از انقلاب؛ در این تحقیق، مفهوم سیاسی و اجتماعی آن است. براساس این مفهوم، انقلاب به یک تحول خشونت‌بار مردمی اطلاق می‌شود که هدف آن، تغییرات سریع و اساسی در ارزشها و باورهای مسلط و ساختارهای اجتماعی و سیاسی یک جامعه است (محمدی، ۱۳۸۰، ص ۳۲). برخی هم انقلاب اسلامی را چنین تعریف کرده‌اند: «انقلاب اسلامی به پدیده‌ی گفته می‌شود که به‌صورت خشونت‌بار، همراه با مشارکت مردم تحقق پذیرد و منجر به تغییر و تحول بنیادی مبتنی بر مکتب اسلام در ساختارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه گردد» (نقوی، ۱۳۸۰، ص ۲۰).

### جایگاه علم و فناوری در مبانی فقهی بیانیه گام دوم انقلاب

جایگاه و اهمیت دانش و فناوری در اسلام برای کسی که اندک آشنایی با مبانی فقهی انقلاب اسلامی دارد پوشیده نیست، از این‌رو، اهمیت دست‌یابی به دانش، افزون بر قرآن، در سخنان معصومین نیز بازتاب یافته است. تا آن‌جا که بررسی شده است ایده دست‌یابی و جلب دانش‌های گوناگون به درون جامعه اسلامی، از آغازین دوره پیدایش اسلام در میان مسلمانان رایج بوده است. ولی آنچه زمینه مساعد و مناسب عملی شدن این ایده را فراهم کرد، همانا گسترش حوزه جغرافیایی جهان اسلام بود؛ که در عصر موسوم به «عصر طلایی تمدن اسلامی» روند انتقال علوم بیگانه و عمدتاً غیر دینی به درون تمدن اسلامی به اوج و شکوفایی خود رسید و این فرایند در مبانی فقهی بیانیه گام دوم انقلاب نیز مشهود است. به گونه‌ای که رهبر انقلاب اذعان دارد که شتاب حرکت دانش افزایی پس از انقلاب اسلامی مطلوب بوده است و باید این شتاب علمی حفظ شود و به نقطه اوج برسد (خامنه‌ای سخنرانی در دیدار با مسئولان و محققان ستاد توسعه علوم شناختی، ۱۳۹۷/۱۱/۳). با این نگاه اجتهادی به عرصه‌ی علوم و فناوری بود، که صاحبان خرد و دانش پس از انقلاب اسلامی توانستند با تولید دانش و فناوری‌های گوناگون به نوآوری‌های علمی گوناگون در فضای موجود بشری دستیابند. زیرا دست‌یابی به دانش و فناوری‌های مختلف علوم بشری برای پیشبرد اهداف دین اسلام و مبانی فقهی انقلاب اسلامی لازم است. از این‌رو، دست‌یابی به اصل علم و فناوری از نظر اسلام در رأس

برنامه‌های انبیاء الهی معرفی شده، و نخستین آیه که بر پیامبر ﷺ نازل شده است فرمان به خواندن می‌دهد: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ (علق، آیه ۱) بخوان به نام پروردگارت که بیافرید.» لذا مبانی فقهی بیانیه گام دوم انقلاب بر آمده از مبانی نظری تعالیم الهی است و می‌تواند در عرصه‌های مختلف علوم و فناوری به ارائه الگوی اجتهادی و نو برای جهان، پردازد و بازتاب دهنده‌ای استنباط فقهی حضرت امام ﷺ و رهبری (دامه‌ظله) باشد.

لذا اصل بیانیه گام دوم انقلاب در خصوص دستیابی به دانش و فناوری، در تداوم و راستایی حرکت انبیایی عظام الهی و تعالیم جهانی اسلام است که در این رویکرد بازتاب پیدا کرده است. بنابراین عناصر بیانیه گام دوم انقلاب در باره دستیابی به علوم و فناوری ریشه در فطرت دارند و براساس «الاسلامُ یعلو ولا یعلیٰ علیہ» (حرّعاملی، ۱۴۱۱، ج ۲۶، ص ۱۲۵) از حقانیت استعلایی بر خوردار هستند. برخی از آیات قرآنی نیز بر «هژمونی» علمی دلالت دارند: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (نفال، آیه ۶۰). از این آیه رقابت و تلاش در عرصه‌های گوناگونی علم و فناوری برای «هژمونی» علمی دین اسلام قابل استفاده است. لذا قرآن فرمان می‌دهد: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ» یعنی هر چه در توان دارید آماده سازید، نه تنها سازو برگی نظامی یا امکانات و اسلحه، بلکه می‌گویید هر چیزی را که در توان دارید و علیه دشمن شما به کار گرفته می‌شود، خود را به آن علم و فناوری روز مجهز سازید، تا بتوانید «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ» شما دشمنان را بترسانید، لذا در میدان جهاد علمی هرچه از علم و فناوری در توان دارید به نمایش بگذارید تا دشمن به «هژمونی» و قدرت علمی و فناوری تان پی ببرد. با این نگاه رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی فرموده‌اند آینده این انقلاب را نسل جوان باید بسازند، نسل جوان را باید به میدان بیاوریم، نسل جوان باید به علوم و فنون روز مجهز شود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۳۵-۳۷). در یکی از سخنرانی‌هایش نیز یاد آور می‌شود که ما، امروز به قله‌های دانش و فناوری نزدیک شده‌ایم! امروز زمان خستگی و ناامیدی نیست و باید همه شبانه روز سعی و تلاش کنند. زیرا وقتی قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (نفال، آیه ۶۰). باید به سوی دستیابی به علم و فناوری روز حرکت کرد. پس مجهز شدن به علم و فناوری روز از اصول

حاکم بر مبانی فقهی بیانیه گام دوم انقلاب است. براین اساس است که امام خمینی علیه السلام، دانشگاه و دانشگاهیان را مبدأ همه‌ای تحولات و تعیین‌کننده جامعه و مبنا و مبدأ تمام تحولات و مرجع سعادت و شقاوت ملت برشمرده‌اند. پس گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه علم و فناوری در جهان اسلام، ظرفیت کم نظیری دارد و می‌توان گفت جهاد علمی و دست‌یابی به علوم و فناوری برخی از جریان‌های اسلام‌گرا بسان؛ جهاد اسلامی، حماس در فلسطین و انصارالله در یمن که امروز «اسرائیل» را زمین گیر کرده‌اند، نمادی عینی از این ظرفیت‌هاست و یقیناً این مهم، برخاسته از اصول، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های مبانی فقهی بیانیه گام دوم انقلاب در خصوص دست‌یابی به علم و فناوری روز است. لذا دایره شعاع تأثیر این گفتمان، نه تنها در جامعه شیعی و جامعه اسلامی محدود نمی‌شود، بلکه در سطح جامعه جهانی اثر گذاری خواهد داشت. پس در گفتمان تمدنی انقلاب اسلامی علم و فناوری شرط لازم پیشرفت گفتمان است. از این‌رو، باید در مسیر تحقق تمدن انقلاب اسلامی به قله‌ها یا مرزهای همه‌ای دانش‌ها رسید و حتی برای عبور از این قله‌ها نیز باید تلاش کرد (خامنه‌ای، سخنرانی در مشهد ۱/۱/۱۳۸۵).

از نظر بیانیه گام دوم انقلاب، نیز اصل دست‌یابی به دانش و فناوری از اهمیت بسزایی برخوردار است و هیچ مکتبی مانند اسلام برای دانش افزای و معرفت و آگاهی، ارزش قائل نیست. لکن با این حال بحث در این است که آیا دانش و فناوری‌های فساد آور، بسان؛ دانش اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای را می‌توان علم نامید؟ آیا دانش یا فناوری که جامعه بشریت را به سوی فساد، تباهی و نابودی سوق می‌دهد، علم است و نور، و یا این که جهل است و ظلمت؟ این جاست که پیامبر ۹ به این سؤال پاسخ می‌دهد: «إِنَّ مِنَ الْعِلْمِ جَهْلًا» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۵۷). برخی از دانش‌ها، نادانی است.» با این نگاه رهبری تأکید دارد که باید علم همراه معنویت باشد، که اگر معنویت علم را فرماندهی کند، عامل سعادت می‌شود و در مسیر خدمت آرامش و امنیت مردم قرار می‌گیرد. زیرا علم با خود قدرت می‌آورد و اگر این قدرت رها باشد، عامل فساد و فتنه‌انگیزی می‌شود. چنانچه امریکا از علم و فناوری بالای هسته‌ای سوء استفاده کرد و با تولید و کاربست بمب اتم دست به قتل عام غیر انسانی هزاران هزاران انسان بی‌گناه در شهرهای هیروشیما و ناگازاکی ژاپن زد (خامنه‌ای، سخنرانی در دیدار مردم

شاهرود، ۲۰ / ۸ / ۱۳۸۵). اما اکنون باید دید که مبانی فقهی بیانیه گام دوم انقلاب چه رویکردی به این نوع از دانش‌ها دارد؟ و آیا دستیابی و آموزش فناوری اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای را مخالف مبانی تلقی می‌کند، یا اینکه در این خصوص نظر موافق دارد؟

حکم آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای در نگاه بیانیه گام دوم انقلاب

در خصوص دستیابی و آموزش فناوری اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای، براساس مبانی فقهی میان توری پردازان فقه وحدت نظر مشاهده نمی‌شود، اما با این حال با استناد به ادله‌ی متعدد می‌توان به منع دستیابی و آموزش دانش اختصاصی ساخت تسلیحات هسته‌ای رسید. اینک در این‌جا نخست دیدگاه حرمت و ادله‌ی که می‌توان در پرتو آن به منع دستیابی و آموزش فناوری اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای دست‌یافت مطرح می‌گردد. سپس برای تکمیل استدلال انگاره‌ی جواز و ادله آن مورد نقد و بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۱. نظریه حرمت

### الف) حکم

از نظر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، نیاز به آموزش دانش و دامنه و کاربرد اصل فناوری هسته‌ای در حوزه‌های مختلف حیات انسانی به حدی مورد نیاز است که با صراحت می‌توان گفت امروزه بسیار از ابعاد زندگی اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی انسان‌ها به گونه‌ای محسوس تحت تأثیر این دست آورد علمی و دانش نوین قرار گرفته است مثلاً؛ در بخش تولید انرژی و در زمینه‌های پزشکی، صنعتی، کشاورزی، حضور پررنگ و راه‌گشای اصل این دانش و فناوری به روشنی قابل مشاهده است و انتظار می‌رود تا همه جوامع انسانی در پرتو الزام عملی تمام کشورهای جهان به سیاست راهبردی اعلام شده از سوی آژانس بین‌المللی اتمی مبنی بر «اتم برای صلح» و اجرای مفاد کنوانسیون خلع سلاح جهانی، بدون تبعیض به دانش صلح‌آمیز هسته‌ای دست یابد و از ثمرات آن بهره‌مند گردد. لذا در باره‌ی اصل دستیابی و آموزش دانش صلح‌آمیز فناوری هسته‌ای هیچ بحثی نیست. بلکه بحث و گفت‌وگوی چالشی و فقهی در خصوص دستیابی و آموزش دانش و فناوری اختصاصی تولید سلاح هسته‌ای است.

## ۱. مقتضای اصل اولی

قبل از بررسی ادله نقلی، نخست لازم است به این سؤال پاسخ داده شود که مقتضای اصل اولی در باره‌ی دستیابی و آموزش دانش اختصاصی ساخت تسلیحات هسته‌ای چیست؟ اختصاراً در این باره می‌توان گفت تا آن‌جا که بررسی شده است، اصل اولی در خصوص حکم دستیابی و آموزش دانش نافع بر جواز است. بنابراین در عرصه‌ی آموزش فناوری نظامی و ساخت سلاح برای شکست دشمن و رسیدن به پیروزی، تولید و کاربرد هر نوع سلاح جنگی که موجب پیروزی نیروهای اسلام، علیه دشمن گردد، به دلیل اصل مجاز خواهد بود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۶۵، علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۹۱؛ طباطبائی، ۱۴۱۸، ج ۸، ص ۶۹ - ۷۰). اما در بحث دستیابی و آموزش دانش و فناوری اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای که از علوم مضره است و خروجی آن جز تولید سلاح کشتار جمعی که متصف به فساد، وزر و اعتداء می‌شود چیزی دیگری نیست، لذا مناسبت حکم و موضوع اقتضاء دارد که افزون بر تولید و کاربرد این نوع سلاح‌ها، حتی دستیابی و آموزش دانش آن نیز حرام باشد. زیرا اولاً: این دانش و فناوری فساد آور می‌باشد و آموزش آن مقدمه منحصره‌ی حرام است؛ ثانیاً: دین اسلام، دین رحمت است: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیا، آیه ۱۰۷). و رسولان الهی نیز مأمور به آموزش علومی بوده است که برای جوامع انسانی نافع باشد. از این‌رو، قرآن می‌فرماید: «وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِّنْ بَأْسِكُمْ» (انبیا، آیه ۸۰). و به سود شما، صنعت ساختن پوشش‌های دفاعی را به او آموختیم تا شما را از {آسیب} جنگتان محافظت کند. یا قرآن در خصوص علم داود و سلیمان می‌گوید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا» (نمل، آیه ۱۵). و همانا ما به داود و سلیمان علمی [ویژه] دادیم. وجود عبارت «عِلْمًا»، در آیه به صورت نکره، بیانگر ویژگی دانشی است که به داود و سلیمان داده شده بود و آنان از آن در راه اطاعت خداوند و خدمت به خلق استفاده می‌کردند. ولی دیده نشده است که برای آموزش فناوری ساخت تسلیحاتی نابود کننده خلق و محیط زیست اقدام کرده باشند. و یا در سوره سبا می‌فرماید: «وَأَلَّنَّا لَهُ الْحَدِيدَ (سبا، آیه ۱۰) و آهن را برای او نرم کردیم.» اما داود با استفاده از آهن به آموزش فناوری ساخت سلاح‌های کشتار جمعی روی نیاورد، حال اگر اصل

بر جواز دستیابی و آموزش دانش اختصاصی این نوع سلاح بود، پس چرا رسولان الهی به آموزش یا اختراع فناوری صنعت ساخت این نوع تسلیحات اقدام نکردند. پس باعنایت به آنچه ذکر شد، اصل اولی عندالشک بر عدم جواز دستیابی و آموزش دانش اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای جاری است. مگر اینکه موارد از تحت این اصل یقیناً خارج شده باشد.

## ۲. مقتضای ادله نقلی

اما براساس ادله نقلی نیز برخی از اندیشمندان گفتمان انقلاب اسلامی در باره‌ی آموزش دانش مضره بسان؛ سحر، کهنات ... و دستیابی و آموزش فناوری ساخت سلاح هسته‌ای موضع‌گیری منفی داشته‌اند. از جمله آیت الله مکارم شیرازی آموزش و آموختن دانش ساخت تسلیحات هسته‌ای را حرام تلقی کرده‌اند: «والقسم الثالث من العلوم، العلوم المضرة... و منها العلوم التي تساهم في صناعة أسلحة الدمار الشامل كالقنابل الذرية والأسلحة الكيميائية وأمثال ذلك، فتعلم مثل هذه العلوم وتعليمها حرام في الإسلام، لأنّها تكون مقدّمة للحرام؛ قسم سوم از علوم، دانش مضره است... و یکی از آن‌ها دانشی است که در ساخت سلاح‌های کشتار جمعی بسان؛ بمب اتمی، سلاح شیمیایی و امثال آن کمک می‌کند. پس آموزش و یاد گیری این نوع دانش‌ها در اسلام حرام است، زیرا این دانش مقدمه حرام است» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶، ج ۹، ص ۴۴۶-۴۴۷). برخی دیگر نیز آموزش دانش ساخت سلاح‌های کشتار جمعی را به حکم اولی حرام می‌دانند: «إِنَّ كُلَّ عِلْمٍ يَبْعَثُ عَلَى الْفُسَادِ وَيُضَرُّ الْفَرْدَ أَوْ الْمَجْتَمَعَ فَتَعْلَمُهُ حَرَامٌ مِنْ مَنْظُورٍ إِسْلَامِيٍّ، كَالسَّحَرِ... أَوْ عِلْمِ أَسْلِحَةِ الدَّمَارِ الشَّامِلِ، إِلَّا إِذَا كَانَ لِلدِّفَاعِ أَوْ لِأَغْرَاضٍ سَلِيمَةٍ؛ هر علم که منجر به فساد و ضرر فرد و جامعه گردد، آموزش آن از نظر اسلام حرام است، مثل سحر... و علم ساخت سلاح‌های کشتار جمعی، مگر این‌که آموزش آن برای دفاع و یا برای اهداف مشروع و صلح آمیز باشد» (ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۳۲۵).

مرحوم امام علیه السلام نیز در خصوص این بحث می‌فرماید: «علم و تخصص بدون تهذیب و تربیت، بلایی است که امروز بشر به آن مبتلا شده است. ممکن است عالم را به آتش بکشد و مسابقه ورقابت، دو ابرقدرت در مجهز شدن به سلاح‌های مدرن هسته‌ای که از مبادی شیطانی

و نفسانی سرچشمه می‌گیرد، چه مصیبت‌های امروز برای بشریت دارد؛ مگر آن‌که دستی از غیب بیرون آید و بشریت را نجات دهد» (خمینی، ۱۴۰۹، ج ۱۷ ص ۳۹۰). زیرا زلزله العالم تفسد العوالم، لغزش دانشمند جهان را تباه می‌سازد (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۲۶۹). البته هرچند اصل دانش و فناوری هسته‌ای در عصر حاضر یکی از بزرگترین دست آوردهای بشری است. لکن دانش اختصاصی ساخت و استفاده از اتم به عنوان سلاح کشتار جمعی امروز جهان را به نابود سوق می‌دهد. لذا رهبری (مُذَظِّلَه) نیز در بیانیه گام دوم انقلاب در عین حالی که اصل دانش را آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور تلقی کرده است، اما سوء استفاده از دانش را بسان غربی‌ها مجاز نمی‌داند (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ص ۳۵). چون از نظر ایشان استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی حرام مطلق است، لذا می‌فرماید: «ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابنایی بشر از این بلای بزرگ را وظیفه همگان می‌دانیم؛ ما اعتقاد به بمب اتم و سلاح اتمی نداریم، دنبالش هم نخواهیم رفت، زیرا براساس مبانی اعتقادی و دینی ما به کاربردن این‌گونه و سایل کشتار جمعی ممنوع و حرام است. این ضایع کردن حرث و نسل است که قرآن کریم آن را ممنوع اعلام کرده است. ملت ایران هم از لحاظ مبنای و فکری با این‌گونه تسلیحات مخالف است و هم از لحاظ تدبیر و عقلانیت مخالف است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱/۲۸). این اظهار نظرهای نظریه پردازان مبانی فقهی انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که دستیابی به دانش اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای به دلیل مقدمیت نسبت به تولید و استفاده از آن، مقدمه‌ی سببی در ایجاد حرام تلقی می‌شود، لذا صرف دستیابی و آموزش آن نیز به حکم اولی حرام است.

## ب) ادله

اکنون ادله حرمت دستیابی و آموزش دانش اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱. عقل

یکی از ادله حرمت آموزش علوم و فناوری اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای عقل است،

سؤالی که اکنون مطرح است این است آیا از نظر عقل دست‌یابی و آموزش این نوع دانش حرام است یا خیر؟ در پاسخ باید گفت بلی زیرا از نظر عقل فراهم نمودن مقدمه حرام، حرام است و از آن‌جا که دست‌یابی و آموزش دانش اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای مقدمه حرام است و از سویی هم در حکم عقل به قبح ایجاد اسباب تحقق فعل حرام در خارج شک و تردید وجود ندارد. پس از نظر عقل حتی دست‌یابی و آموزش فناوری اختصاصی ساخت تسلیحات هسته‌ای حرام است.

## ۲. آیات

یکی از ادله حرمت آیات گوناگونی از قرآن است. اینک یک مورد یعنی دلالت آیه سعی در فساد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### الف) آیه فساد

از منظر اصل فساد، صرف آموزش دانش و فناوری ساخت سلاح هسته‌ای نیز فساد آور است، زیرا قرآن در آیه ۲۰۵ سوره بقره، به حرمت سعی فساد حرث و نسل اشاره دارد: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ؛ هنگامی که {چنین دشمن سرسختی} به حکومت و سلطه برسند، در راه فساد در زمین، می‌کوشد و زراعت و نسل را نابود می‌سازند، (با این‌که می‌دانند) خداوند فساد و تباهی را دوست نمی‌دارد.» از این آیه استفاده می‌گردد، که نه تنها نفس افساد، حرام می‌باشد، بلکه حتی سعی و تلاش مقدماتی برای ایجاد فساد نیز حرام است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۴۸؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۰، ص ۴۲). زیرا قرآن حرمت را روی سعی منتهی به فساد حرث و نسل برده است، خواهی این سعی عملاً و مאלاً نیز منجر به فساد گردد یا نه. لذا از آن‌جا که دست‌یابی و آموزش فناوری اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای نیز مقدمه حرام است. پس از نظر آیه فساد، دست‌یابی و آموزش دانش‌های فساد آور نظیر دانش و فناوری ساخت سلاح هسته‌ای حرام خواهد بود.

### ۳. روایات

#### الف) روایات حرمت آموزش دانش فساد آور

(۱) رسول اسلام ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ مِنَ الْعِلْمِ جَهْلًا بَرَّخِي مِنْ دَانِشْ هَا، نَادَانِي اسْت» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۵۷).

(۲) در روایت دیگر نیز آمده است: «كُلُّ عِلْمٍ لَا يُؤَيِّدُهُ عَقْلٌ مَضِلَّةٌ؛ وَ يَا هِرْعَلَمُ كَه مَوْرِدِ تَأْيِيدِ عَقْلٍ نَيْسَتْ أَوْ كَمْرَاهِي اسْت (ری شهری، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۳۱۷). از آن جا که دستیابی و آموزش دانش اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای فساد آور هست قطعاً مورد تأیید عقل نخواهد بود.

#### ب) روایت تحف العقول

یکی دیگر از روایت‌های که می‌توان بر حرمت آموزش فناوری ساخت تسلیحات هسته‌ای به آن استناد کرد، روایت تحف العقول است. این روایت از امام صادق (ع) به صورت مرسل وارد شده است. صاحب وسایل، صاحب حدائق (حرعاملی، ۱۴۱۱، ج ۱۷، ص ۸۳-۸۶؛ بحرانی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۷۶) و شیخ انصاری آن را نقل کرده‌اند (انصاری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۷). اگرچه این روایت به جهت ارسال محلّ گفت‌وگوست (خوئی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۸) ولی از سوی دیگر این روایت مورد قبول و استناد بسیاری از اندیشمندان جهان اسلام نیز قرار گرفته، و در بحث مکاسب محرمة آنان در موارد متعددی به آن استناد کرده‌اند (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۹ و ۳۹). بخش از مفاد آن آموزش دانش را که جز فساد استفاده‌ی نداشته باشد، تحریم کرده است: «وَمَا يَكُونُ مِنْهُ وَ فِيهِ الْفَسَادُ مَحْضًا وَ لَا يَكُونُ مِنْهُ وَ لَا فِيهِ شَيْءٌ مِنْ وُجُوهِ الصَّلَاحِ فَحَرَامٌ تَعْلِيمُهُ وَ تَعْلُمُهُ وَ الْعَمَلُ بِهِ وَ أَخْذُ الْأُجْرَةِ عَلَيْهِ وَ جَمِيعُ التَّقَلُّبِ فِيهِ» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۴۶). خداوند تنها صنعتی را تحریم کرده است که جز برای حرام کاربردی ندارد (رهاوردش تباهی محض است مثل آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای) و آنچه که صلاح و خیری در آن نیست و فساد محض است در این صورت آموزش و آموختن آن و دریافت دست‌مزد بر آن و هرگونه تصرف در آن حرام است.» براساس این بخش از روایت می‌توان به حکم حرمت دستیابی و آموزش دانش اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای رسید.

#### ۴. قواعد فقهی

یکی از مستندات حرمت دستیابی و آموزش فناوری ساخت سلاح هسته‌ای قواعد فقهی است.

#### الف) قاعده لاضرر

از قاعده لاضرر نیز حرمت دستیابی و آموزش فناوری ساخت سلاح هسته‌ای قابل استفاده است، اما قبل از بررسی حکم آن نخست لازم است، تا دیدگاه‌های مطرح در باره‌ی مفاد قاعده لاضرر، اختصاراً مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد:

(۱) مفاد حدیث، نهی از ایجاد ضرر است؛ یعنی شارع مقدس از زیان رساندن به دیگران نهی می‌کند.

(۲) مفاد حدیث لاضرر، نهی حکومتی است، که از سوی پیامبر اکرم ۹ برای دفع مخاصمه میان ثمره بن جندب و فردی انصاری صادر گردیده است.

(۳) مفاد قاعده، نفی حکم به لسان نفی موضوع است ادعاً.

(۴) مفاد حدیث لاضرر، نفی حکم ضرری است. بدین معنا هر حکمی که از طرف شارع تشریع گردد اگر آن حکم مستلزم ضرر باشد، اعم از ضرر بر نفس مکلف یا غیر او یا ضرر مالی، حکم مزبور با توجه به ضرر، به موجب قاعده لاضرر نفی می‌شود.

(۵) مفاد حدیث لاضرر، نفی ضرر غیر متدارک است به این معنا که شارع مقدس از ضرر غیر متدارک نفی کرده است و این معنی کنایه از وجوب تدارک ضرر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۵۸-۶۷؛ بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۱۵-۲۲۵؛ خمینی ۲، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۷۳-۱۱۷؛ سبحانی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۶۸-۸۱). از میان پنج دیدگاه که در باره‌ی مفاد قاعده لاضرر ذکر شد. در این بحث مراد از مفاد قاعده، نفی احکام ضرری است؛ مفاد «لاضرر» یعنی؛ «لاحکم ضرری فی الاسلام»، و «لاضرار» یعنی؛ «لا حکم ضراری فی الاسلام» در اسلام حکم ضرری و ضراری وجود ندارد. یعنی احکامی که موجب تضرر مکلف شود یا وسیله شود فردی با واسطه آن از طریق دستیابی و آموزش دانش اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای به دیگری اضرار برساند در اسلام وجود ندارد. لذا قاعده لاضرر، بر ادله

اولیه باب جواز آموزش علوم و فناوری حکومت دارد و براساس آن دست‌یابی و آموزش دانش‌های مضره حرام خواهد بود.

### ب) قاعده إعانه برإثم

قاعده «إعانه برإثم» نیز از ادله حرمت آموزش فناوری اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای است. برای حرمت إعانه بر إثم، به آیات، روایات، اجماع و عقل استناد شده است (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۶۵). ولی مستند اصلی آن، آیه است: «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ؛ (مانده، ۲) و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید.» از نظر مفهوم «إعانه» در لغت از ریشه عون به معنای یاری، و جمع آن اعوان است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۴۸۴، عبد الرحمن، [بی‌جا]، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۲۲). إثم نیز به معنای عمل غیر مجاز و مخالفت با امر خداوند است که شامل فعل و ترك آن می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۵؛ راغب، ۱۴۱۶، ص ۵).

در اصطلاح إعانه به معنای یاری کردن فاعل معصیت در راستائی رسیدن او به فعل حرام است (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۶۶). هرچند در باره‌ی حرمت قاعده إعانه بر إثم بحث است که آیا هر عملی که به نوعی هرچند با اسباب بعید اگر منجر به تحقق فعل حرام گردد، إعانه و حرام است و یا خیر؟ آیا إعانه دیگری بر امر حرام مطلقاً حرام است یا علم به این‌که او آن کار را خواهد کرد هم دخیل است؟ یا بالاتر از علم، قصد معاون هم لازم است؟ یا بالاتر از آن، تحقق مُعان علیه (فعل مباشر) هم معتبر است یا نه؟ و در این بحث که آیا بر آموزش فناوری ساخت سلاح هسته‌ای نیز إعانه بر إثم صادق است یا خیر؟ تا آن‌جا که بررسی شده است. فقهاء برای صدق «إعانه بر إثم» دیدگاه‌های متفاوتی را ارائه داده‌اند، بسان؛ حرمت مطلق، (مشکینی، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۵۰۳). یا حرمت ایجاد مقدمه با قصد تحقق فعل از غیر، (عاملی غروی، ۱۴۱۹، ج ۱۲، ص ۱۲۴؛ نراقی، [بی‌جا]، [بی‌تا]، ص ۷۶؛ انصاری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۷۳؛ مقدس اردبیلی، [بی‌تا]، ص ۲۹۷). حرمت در صورت وقوع عمل از سوی مُبَاشِر، (نراقی، [بی‌جا]، [بی‌تا]، ص ۷۵). یا برای حرمت اعانه قصد معین، یا صدق عرفی نیز لازم است. (مقدس اردبیلی، [بی‌تا]، ص ۲۹۷). یا فقط انجام مقدمات قریب اعانه است (خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۱۲). یا با ایجاد برخی از مقدمات، اگر آن کار از دیگری صادر شود اعانه خواهد بود. (مقدس اردبیلی، [بی‌تا]، ص ۲۹۷).

البته در این مقاله مجالی برای تبیین و نقد اقوال نیست. اما از میان دیدگاه‌های فوق، نگارنده، خصوصاً کافی بودن صرف علم معاون از قصد مباشر را در صدق إعانه بر إثم پذیرفته‌اند. هواداران این دیدگاه برای حرمت اعانه به آیه شریفه: «وَلَا تَعَاوُنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» و به برخی از روایات که صرف علم را کافی دانسته، استناد کرده‌اند (حرعاملی، ۱۴۱۱، ج ۱۷، ص ۱۷۶). لکن برخی دیگر دلالت این آیه را بر حرمت إعانه بر إثم را نپذیرفته‌اند (منتظری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۲۷). و معتقدند که اصل اولی جواز إعانه بر هر فعل حرام است (انصاری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۶۸؛ خوئی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۹۱).

اما در مقابل بسیاری از فقهای جهان اسلام اصل اولی را، حرمت ایجاد مقدمات تحقق حرام در خارج دانسته‌اند، از این رو، روایات جواز را مخالف اصول ثابت؛ مانند حرمت إعانه بر إثم می‌دانند و معتقدند این اصل عقلی از نظر آنان تخصیص بر دارد هم نیست (خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۹۴-۱۹۶؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۶، ص ۱۱۹ و ۱۲۰). عرفاً نیز بر فراهم کردن مقدمات موصل به کار حرام إعانه صدق می‌کند و ملاک صدق إعانه بر إثم نیز دایر مدار همین درک عرفی است (سیفی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۱۱۲؛ خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۱۰). از نظر عقل نیز همان‌گونه که ارتکاب منکر ناپسند است، فراهم نمودن مقدمات منکر و کمک به فاعل آن نیز عقلاً قبیح می‌باشد. پس در بحث دستیابی دانش ساخت سلاح هسته‌ای نیز چنین است، اگر کسی علم دارد که، بعد از آموزش، این دانش منجر به تولید سلاح هسته‌ای و مورد استفاده قرار می‌گیرند، با این حال به آموزش این نوع دانش به پردازد، نفس این اقدام قبح عقلی دارد؛ اگرچه در صورتی که به قصد ساخت و کاربست آموزش ببیند قبح بیش‌تری دارد. هم‌چنین فرقی ندارد که (معین) یا آموزش دهنده دانش ساخت سلاح‌های هسته‌ای بداند، کسی که هم اکنون این دانش را آموزش می‌بیند اراده حرام دارد و به او کمک کند، یا این که در هنگام آموزش قصد ساخت و کاربست آن را ندارد. اما یقین یا احتمال عقلایی وجود دارد که بعداً مرتکب حرام خواهد شد، در این صورت آموزش این دانش مقدمه کمک به جرم و قبیح است و این حکم عقلی، تخصیص بردار نیست (خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۹۴-۱۹۵). بنابراین در بحث دستیابی و آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای حتی ما تابع صدق عنوان إعانه بر إثم و مانند

آن نیستیم، بلکه نفس آموزش و فراهم کردن اسباب فعل حرام (ساخت و کار بست سلاح هسته‌ای) جرم است. هر چند خود آن جرم محقق نشود، پس اگر کسی به يك دزد نردبانی را بدهد به قصد این که وی دزدی کند، این کار إعانه بر ایجاد سرقت است و اگر به هر دلیلی سرقت واقع نشود بر کار او إعانه صدق خواهد کرد (همان، ص ۲۱۱). نگارنده نیز در بحث دست‌یابی و آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای، تحقق خارجی اِثم را شرط صدق إعانه بر اِثم نمی‌داند. زیرا اولاً: حرمت إعانه بر اِثم، حرمت نفسی است نه آن که حرمت غیری باشد و از حرمت اِثم و عدوان ناشی گردد. تا در خصوص آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای گفته شود که هنوز ساخت و کاربرد سلاح هسته‌ای صورت نگرفته است، پس صرف آموزش این دانش إعانه بر اِثم نیست. در حالی که خود إعانه منهی و حرام نفسی است. ثانیاً: هدف از تحریم إعانه بر اِثم، قطع ماده‌ی فساد می‌باشد، اگرچه از منظر عرف و لغت، قصد ترتّب حرام در صدق إعانه هم دخیل باشد، ولی از نظر شرع، مطلقاً حرام است و لو قصدی نباشد و مجرد علم به ترتّب حرام باشد. زیرا غرض اصلی شارع، از نهی إعانه بر اِثم این است که ماده فساد ریشه کن شود و این ملاک در فرض علم آموزش دهنده به ساخت و استفاده حرام وجود دارد و به همین دلیل خصوصیت قصد یا توصل به حرام ملغی خواهد بود. لذا در فرض علم به ساخت و کار بست آن، نیز دست‌یابی به فناوری ساخت حرام است.

## ۲. نظریه جواز

### الف) حکم

البته در باره‌ی دست‌یابی به دانش اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای هیچ‌گونه تصریحی در آیات، روایات و دیدگاه فقهای سابق جهان اسلام نسبت به اصل جواز آن وجود ندارد. ولی با این حال حکم اولی جواز آموزش آن از دیدگاه برخی از اندیشمندان معاصر قابل استفاده است؛ از جمله محسنی قندهاری براساس آیه اعداد، افزون بر داشتن، یادگیری و دانستن نحوه کاربرد تسلیحات نظامی را لازم دانسته‌اند: «فالواجب هو اعداد القوّة و هی فی مثل زماننا عبارة عن الرجال العسكريين المدربين العالمين بفنون الهجوم والدفاع، و بكيفية استعمال الأسلحة، و

إطاره الطائرات، و بمقدار مقاومة الآلات الحربية، ونحو ذلك، وعن الدبابات، و الطائرات، و القنبلات الذرية، و الهيدروجينية و نحوها ممّا هو متعارف اليوم و ما يتعارف غدا (محسنی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۵۳۳). براساس آیه، إعداد قوه، واجب است، و در عصر ما إعداد قوه عبارتند از؛ داشتن نیروهای نظامی تعلیم دیده و آگاه به فنون تهاجم و دفاع، و آگاه به نحوه کاربرد سلاح، و به پرواز در آوردن هواپیماهای جنگی، و دانستن اندازه مقاومت تسلیحات جنگی و امثال آن، و از داشتن تانک‌ها، هواپیماهای جنگی و بمب‌های اتمی و امثال آن‌ها از سلاح‌های که امروز مرسوم است و تسلیحاتی که در آینده رواج خواهد پیدا کرد از مصادیق اعداد قوه است. «علیرغم این‌که ایشان تصریح بر جواز آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای نکرده‌اند اما تولید، داشتن و کار بست تسلیحات جنگی فرعی بر یادگیری دانش و فناوری ساخت، نگهداری و نحوه استفاده از تسلیحات نظامی است. افزون بر آن از جمله «ونحو ذالک» نیز آموزش فناوری اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای قابل استفاده خواهد بود.

رشیدرضا، نیز از آیه إعداد افزون بر وجوب ساخت انواع سلاح‌های جنگی، وجوب آموزش علوم و فناوری ساخت تسلیحات جنگی را نیز استفاده کرده‌است: «وَيَجِبُ عَلَيْهِمْ تَعَلُّمُ الْفُنُونِ وَالصَّنَاعَاتِ الَّتِي يَتَوَقَّفُ عَلَيْهَا صُنْعُ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ وَغَيْرِهَا مِنْ قُوَى الْحَرْبِ بِدَلِيلٍ: مَا لَا يَتِمُّ الْوَاجِبُ الْمُطْلَقُ إِلَّا بِهِ فَهُوَ وَاجِبٌ» (رشیدرضا، ۱۹۹۰، ج ۱۰، ص ۵۳-۵۴). یادگیری فنون و روش‌های ساخت صنایع که ساختن این اشیاء و غیر آن‌ها از تجهیزات جنگی بر آن متوقف می‌باشد نیز واجب است. زیرا، «مَا لَا يَتِمُّ الْوَاجِبُ الْمُطْلَقُ إِلَّا بِهِ فَهُوَ وَاجِبٌ، هرآنچه که انجام واجب مطلق بدون آن امکان پذیر نیست، دانستن آن واجب است.» اما هرچند رشید رضا تنها بر وجوب دستیابی و آموزش دانش ساخت سلاح‌های جنگی تصریح کرده، نه بر آموزش علوم ساخت، نگهداری، توسعه و کاربرد سلاح هسته‌ای. اما یادگیری و آموزش علوم و فناوری تسلیحات هسته‌ای نیز براساس دیدگاه ایشان واجب خواهد بود. زیرا داشتن و ساخت این نوع سلاح‌ها فرعی بر آموزش دانش ساخت آن‌ها است.

برخی دیگر نیز بر ساخت سپرهای دفاعی تأکید کرده‌است: «وانتهاءً بالدفاع المدني، وبناء الملاجئ المفيدة ضد الغارات الجوية أنى كانت طبيعتها بأسلحة تقليدية أو أسلحة الدمار

الشامل؛ مراد از اعداد قوه در آیه، آمادگی صد در صدی برای جنگ و ایجاد امنیت برای کشور به واسطه هر نوع سلاح دفاعی... و ارتقایی قدرت نیروهای نظامی به بهترین سلاح‌ها، و آماده کردن جوانان برای هر نوع رزمیدن در جنگ است. و در نهایت یکی از موارد اعداد، دفاع از شهرها و ایجاد سپرهای دفاعی ضد حملات هوای دشمن است، که خواه سلاح متعارف باشد یا تسلیحات کشتار جمعی» (مدرسی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۱۰۲). لذا بدون دست‌یابی به دانش، هرگز ساخت سپر دفاعی هسته‌ای ممکن نیست.

زحیلی نیز از آیه اعداد نیروی مادی و معنوی را استفاده کرده است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ...» (انفال، ۶۰). ای هیئتوا لقتال الأعداء ما أمکنکم من أنواع القوى المادية والمعنوية المناسبة لكل زمان و مکان؛ (الزحیلی، ۱۴۱۸، ج ۱۰، ص ۴۹-۵۰). برای جنگ بادشمن، آنچه که در توان دارید؛ از انواع قدرت و نیروی مادی و معنوی متناسب هر زمان و مکان آماده کنید.» لذا از «قوه معنوی» تحصیل دانش اختصاصی ساخت سلاح‌های جنگی را می‌توان استفاده کرد. باتوجه به آنچه ذکر شد، عموماً کسانی که تولید سلاح هسته‌ای را مجاز می‌دانند، از نظر آنان آموزش دانش و فناوری اختصاصی ساخت آن نیز جایز است. لذا برخی استفاده از صنعت سلاح سازی هسته‌ای را مشروع تلقی کرده‌اند: «مضافاً إلى مشروعیه استخدام هذه الصنعة، یكون استخدامها فی المقاصد العسكرية من الواجبات الأكيدة» (سیفی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۳۷-۲۳۸). بر فرض اگر چنانچه دست‌یابی و آموزش دانش اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای به حکم اولی حرام باشد و براساس مبانی فقهی بیانیه گام دوم انقلاب و حکم اولی شرع، نتوان به آموزش دانش آن و در نتیجه به تولید و بهره‌گیری از این نوع تسلیحات رسید. اما براساس وضعیت ثانوی، دست‌یابی و آموزش فناوری اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای مجاز خواهد بود. زیرا در فقه اسلامی این ظرفیت وجود دارد که براساس برخی از قواعد؛ بسان اضطرار، مصلحت، اهم و مهم و مقابله به مثل که هر محظور و ممنوعی را به وقت حاجت مباح می‌شمارد بتوان براساس مصلحت اندیشی پشتوانه شرعی پیدا کرد و صرف دست‌یابی و آموزش این دانش را برای برخی از فروع ذیل مجاز تلقی کرد:

## ۱. دستیابی و آموزش در فرض اضطرار

یکی از موارد جواز دستیابی و آموزش دانش و فناوری اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای در ظرف اضطرار است. واژه‌ی «اضطرار» نیز درگوش لغوی مصدر باب افتعال به معنای ناچارشدن و یا ناگزیرشدن آمده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ذیل واژه اضطرار.) در اصطلاح حقوقی معانی مختلفی برای آن ذکر شده است؛ از جمله: «اضطرار بیانگر حالت شخصی مکلف است که خطر بسیار شدید، جان یا مال او یا اشخاص دیگری را تهدید می‌کند، مکلف برای دفع آن ناچار است تا عمداً فعلی را انجام دهد که انجام آن در شرایط عادی یقیناً جرم و گناه محسوب می‌گردد» (ولیدی، بایسته‌های جزایی عمومی، ص ۳۰۴). در اصول نیز اضطرار آن است که با وجود آن حرمت فعل محرم برداشته و مجازات آن منتفی می‌گردد. یعنی «کلّ حرام مضطرّ الیه فهو حلال» و یا «الضرورات تبيح المحظورات» که به معنای ضرورت است و ضرورت اسم برای مصدر اضطرار است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۴۶). بنابراین در حال اضطرار ارتکاب هر ممنوعی مجاز می‌گردد و بحث اضطرار یکی از عناوین ثانویه است. پس در شرایط اضطرار دستیابی و آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای برای دفع اضطرار، بسان سایر محرّمات شرعی مجاز خواهد بود. زیرا برخی از فقه‌های معاصر حتی کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی را از باب ضرورت مجاز دانسته‌اند (مدرسی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۲۷۰؛ و ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۴۱). تا چه رسد به دستیابی و آموزش دانش اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای که قطعاً مجاز خواهد بود. البته قاعده اضطرار مدارک فراوانی از آیات و روایات دارد، قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره، ۱۷۳؛ نحل، ۱۱۵). خداوند، تنها (گوشت) مردار، خون، گوشت خوک و آنچه نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شود، حرام کرده است. (ولی) آن کس که ناچار شود، در صورتی که ستم‌گر و متجاوز نباشد، گناهی بر او نیست (وی می‌تواند برای حفظ جان خود، در موقع ضرورت، از آن بخورد) خداوند بخشنده و مهربان است. «هرچند اضطرار در این آیه در مورد اکل و شرب و خوردن گوشت میته است، که در وضعیت اضطراری می‌تواند از آن استفاده کرد. لکن قاعده اضطرار یک قاعده عام است و در جای جای فقه اسلامی جاری

می‌شود، از جمله اضطراب عرصه‌ای نظامی را نیز در بر می‌گیرد. بنابراین در حال اضطراب می‌توان به آموزش دانش و فناوری ساخت سلاح هسته‌ای روی آورد. از جمله روایات که بر این قاعده دلالت دارد، روایات معتبره سماعة است: «لَيْسَ شَيْءٌ مِّمَّا حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا وَقَدْ احْلَهُ لِمَنْ اضْطَرَّ إِلَيْهِ» (حرعاملی، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۴۸۳، ح ۷۰). هیچ حرامی نیست مگر این که خداوند در صورت اضطراب آن را حلال کرده است. «پس اطلاق این حدیث هرآنچه را که در حالت عادی انجام آن حرام است، در وضعیت اضطراب جایز دانسته است و از طرف دیگر واژه‌ی «شیء» نکره در سیاق نفی است دلالت بر عموم دارد و شامل تمامی محرمات، از جمله دستیابی و آموزش دانش اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای نیز می‌گردد.

## ۲. دستیابی و آموزش در فرض مقابله به مثل

یکی از موارد که احتمال جواز آموزش علوم و فناوری اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای وجود دارد، بحث مقابله به مثل است؛ به این معنا اگر در عرصه‌ی درگیری‌های مسلحانه، دشمن با استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، بر مواضع نیروهای اسلام حمله کرد! آیا برای سربازان اسلام به عنوان حکم ثانوی یا مقابله به مثل جایز است تا دانش ساخت سلاح هسته‌ای را یاد بگیرد و با تولید آن به کار بست سلاح هسته‌ای علیه مواضع دشمن مبادرت ورزد یا خیر؟ برخی اذعان کرده‌اند که در صورت مقابله به مثل نه تنها دستیابی و آموزش علوم ساخت سلاح هسته‌ای جایز است، بلکه حتی استفاده از چنین سلاح‌ها نیز برای حکومت اسلامی مجاز خواهد بود (سرخسی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۹۹؛ کاسانی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۳۷۷). زیرا قرآن بر جواز مطلق مقابله به مثل در هر عرصه‌ی (از جمله جنگ) تصریح می‌کند: «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (بقره، ۱۹۴). با استناد به این آیه ادعا شده است که مقابله به مثل، در عرصه‌های فردی، گروهی و بین‌المللی، و تجاوز جنگی و سایر موارد جاری است. این اصل در عرصه‌های سیاسی و نظامی به عنوان یک قاعده فقهی بر سایر ادله باب جهاد حکومت دارد. زیرا تمام شئون نظامی و دفاعی در گستره‌ی این قاعده قرار دارد، و اجرای مقابله به مثل آن

از سوی دولت‌های که مورد هرگونه تجاوز نظامی و... قرار گرفته است مشروع، بلکه گاه نیز واجب قلمداد شده است (ماهوشیزا، ۱۴۲۵، ص ۱۷۹). حتی برخی از اندیشمندان شیعه نیز در مقام مقابله به مثل، جنگ‌های روانی، میکروبی یا مثل این‌ها {شیمیایی} را در مقابل دشمن به عنوان حکم ثانوی جایز دانسته‌اند (شیرازی، ۱۴۲۶، ج ۴۷، ۱۹۲). تا چه رسد به دستیابی و آموزش علوم ساخت این نوع تسلیحات. به هر حال تا آن‌جا که بررسی شده است در چنین شرایطی اصل بر جواز است (سرخسی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۹۹؛ کاسانی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۳۷۷). از این‌رو، اگر چنانچه دشمن با سلاح‌های کشتار جمعی بر علیه کشورهای اسلامی حمله کرد! براساس اصل مقابله به مثل استفاده از این نوع سلاح‌ها واجب است (ماهوشیزا، ۱۴۲۵، ص ۱۷۹). لذا در صورتی که کاربرت این نوع تسلیحات در این فروض مجاز باشد مسلماً دستیابی و آموزش دانش و فناوری اختصاصی ساخت آن نیز جایز خواهد بود.

### ۳. دستیابی و آموزش در فرض مهندسی معکوس و دفع آسیب کاربرت

یکی از موارد جواز آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای، در نگاه بیانیه گام دوم انقلاب، دستیابی و آموزش برای دفع آسیب‌های کاربرد سلاح هسته‌ای از سوی دشمن است؛ یعنی تنها دستیابی و آموزش آن برای دفع آثار کاربرد باشد، یا برای مهندسی معکوس، نه تولید سلاح. لذا در این فرض اگر احیاناً دشمن از سلاح هسته‌ای علیه نیروهای اسلام استفاده کند نیروهای متخصص و دانشمند بتوانند با دستیابی و آموزش این علوم و فناوری راهکارهای درمان یا کمتر آسیب دیدن نیروهای خود را فراهم سازند، بسان تولید سپرهای دفاع هسته‌ای، که البته تا کنون این سلاح دفاع ناپذیر تلقی شده است. ولی اگر از طریق دستیابی و آموزش این دانش بتوان به تولید سپردفاعی و یا سایر راهکارهای دفاعی رسید، در این صورت نیز دستیابی و آموزش آن مجاز است. زیرا هدف از آموزش در این فرض توسل به سلاح هسته‌ای نیست بلکه برای مقابله با خسارت و آسیب‌های احتمالی ناشی از کاربرت آن یا ارائه راهکارهای دفاعی نظامی است. لذا به نظر می‌رسد، در این فرض نیز آموزش و دستیابی به دانش اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای جایز خواهد بود. زیرا اولاً: در این صورت

دستیابی و آموزش علوم ساخت سلاح هسته‌ای از گستره‌ی علوم مضره خارج می‌گردد و متصف به علوم نافع می‌شود. ثانیاً: بر دستیابی و آموزش آن در این فرض جز نفع، هیچ مفسده‌ای دیگری مترتب نمی‌گردد، از این‌رو، آموزش آن مجاز خواهد بود.

### ب) ادله جواز

برای جواز آموزش دانش و فنون ساخت تسلیحات هسته‌ای می‌توان به عقل، آیات و روایات استناد کرد.

#### ۱. عقل

از نظر عقل آموزش فناوری ساخت سلاح هسته‌ای اگر موجب بازدارندگی گردد منع نه خواهد داشت.

### آیات

اما اصلی‌ترین دلیلی که بر جواز دستیابی و آموزش فناوری اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای دلالت دارد. آیات قرآن کریم است که اکنون بررسی می‌گردد.

#### الف) آیه اِعداد

یکی از مهم‌ترین دلیل قرآنی جواز آموزش دانش اختصاصی تولید سلاح هسته‌ای آیه ۶۰ سوره انفال است: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَظْلُمُونَ؛ (انفال، ۶۰). قرآن در این آیه، بر آمادگی و کسب توان در برابر دشمنان دستور می‌دهد تا نیروهای اسلام خود را با فنون و علوم روز آمد، در برابر دشمن مجهز سازند. آیه فوق به دلیل چند امر؛ مستند حکم جواز آموزش علوم ساخت سلاح هسته‌ای است. اولاً: از امر به «اِعداد» در آیه وجوب فرا زمانی و مکانی آن استنباط می‌شود، و ثانیاً: هم «مَا اسْتَطَعْتُمْ» و هم «مِنْ قُوَّةٍ» اطلاق دارد و از آن عمومیت هر نوع قدرت اعم از نیروی انسانی و

جنگ افزار نظامی فنون و دانش آن هم متناسب با شرایط هر عصر و زمان استفاده می شود. ثالثاً: واژه‌ی «قُوَّة» دارای معنای بسیار وسیع است که نه تنها جنگ افزار و سلاح‌های مدرن هر عصر را در بر می گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت‌هایی مادی و معنوی را شامل نیز می شود (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۴۸؛ راوندی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۳۳؛ طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۹، ص ۱۱۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۷، ص ۲۲۲-۲۲۵؛ طیب، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۱۵۱).

در پاسخ به آیه اعداد که ظهور شأنی در جواز دست‌یابی و آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای دارد، باید گفت که قبل از نقد سؤالی را، مطرح کرد، سپس ضمن نقد، پاسخ دقیق به سؤال نیز ارائه کرد. آیا واقعاً می توان از اطلاق آیه اعداد، حکم اولی جواز آموزش دانش و فناوری ساخت سلاح هسته‌ای را که کاربست آن از نظر رهبری مطلقاً حرام است! استفاده کرد؟ برای دست‌یابی به پاسخ سؤال فوق ذکر چند نکته لازم است:

۱. اولاً: شایسته است مفسران جهان اسلام آیه اعداد را، در پرتو آیات دیگر قرآن مجید تفسیر نمایند، آیاتی که دلالت روشن و قاطع بر حرمت اعانه بر اِثم، نفی فساد حرث و نسل و ضرر دارد. که بی گمان نگاهی نظام وار، در بررسی یک دلیل سبب می شود. تا ادله مخالف نیز هم زمان مورد بررسی قرارگیرد و ممکن است بعد از بررسی ادله موافق و مخالف، آن نگاه تک گزاره‌ی که باعث ظهور و اطلاق شأنی دلیل گشته بود محدود گردد. به نظر می رسد، در آیه اعداد نیز این نگاه غیر نظام وار، باعث شده است، تا از ظهور شأنی آیه اعداد، حتی لزوم آموزش فناوری ساخت سلاح هسته‌ای استفاده گردد.

ثانیاً: چنان که ذکر شد، بر اساس آیه اعداد «قوة»، هدف از تحصیل دانش ساخت سلاح‌های نظامی، ایجاد رعب در دل دشمن است. لکن آیه این را نمی رساند که حتی آموزش دانش ساخت سلاح‌های فساد آور و غیر انسانی مجاز است تا از شما بترسد. لذا برخی با وجود که مفهوم «قوة» را بسیار وسیع می داند، اما در عین حال معتقدند که سلاح‌های کشتار جمعی حرام را شامل نمی شود (مکارم شیرازی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۵۸). پس روش آمادگی و آموزش فناوری ساخت ابزار نظامی مشروع، در آیه اعداد، مفروغ عنه گرفته شده است، به این دلیل از اطلاق امر به وجوب اعداد نمی توان مشروعیت هرگونه روش و آموزش دانش ساخت تسلیحات نظامی و

دفاعی را به دست آورد. با این نگاه شیوه‌ی آمادگی و اعداد، با زمینه‌های حرام و نامشروع بسان؛ آموزش فناوری سلاح هسته‌ای برای ارتقای نیروهای اسلام از اطلاق آیه شریفه اعداد، تخصصاً خارج است.

۲. از سوی دیگر هدف نهایی آیه اعداد و آیات جهاد صرف آمادگی نیست، بلکه برای اعتلای «کلمه الله» و زمینه سازگسترش خدا پرستی در جهان است. ولی این هدف با دستیابی به دانش تولید سلاح‌های هسته‌ای و ایجاد رقابت‌های تسلیحاتی مرکب‌ار هرگز ممکن نخواهد شد. زیرا فلسفه اصلی جهاد با رسیدن به سلاح هسته‌ای منافات دارد؛ چون هدف از جهاد هدایت و جذب انسان‌ها به مکتب توحید است، ولی آموزش دانش تولید و کاربرست تسلیحات هسته‌ای، نه تنها باعث جذب نمی‌گردد، بلکه باعث نابودی نسل بشر و سایر موجودات زنده نیز خواهد شد.

#### ب) آیه حذر (آماده باش)

یکی از ادله جواز آموزش علوم ساخت سلاح هسته‌ای، آیه آماده باش (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳) دائمی در عرصه‌ی جنگ است، قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعاً» (نساء، ۷۱). ای کسانی که ایمان آورده‌اید آمادگی خود را (در برابر دشمن) حفظ کنید؛ و در دسته‌های متعدد یا به صورت دسته واحد (طبق شرایط هر زمان و هر مکان) به سوی دشمن حرکت نمائید. در آیه فوق قرآن به مسلمانان، برای حفظ بقاء و موجودیت سیاسی، نظامی و اجتماعی آنان دستور می‌دهد تا همیشه مراقب و آمادگی داشته باشند. «حذر» در آیه شریفه فوق به معنایی مطلق بیداری و آماده باش دائمی در برابر دشمنان است (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳). با این وجود بعضی از مفسران «حذر» را در این آیه تنها به معنی اسلحه تفسیر کرده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۴۱۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۱۳۷). در حالی که «حذر» معنای وسیعی دارد و مخصوص (اسلحه) نیست. افزون بر آن، آیه ۱۰۲ همین سوره دلیل روشن است که «حذر» با اسلحه تفاوت دارد، آن‌جا که می‌فرماید: «أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَ خُذُوا حِذْرَكُمْ» (نساء، ۱۰۲). مانعی ندارد که هنگام

ضرورت، یا موقع نماز در میدان جنگ سلاح خود را به زمین بگذارید، ولی حذر و آماده باش را از دست ندهید.» برخی نیز معتقدند «حذر» در آیه، کنایه از بیداری یا آماده باش در برابر خطر است، «خُذُوا حِذْرَكُمْ» یعنی آن آمادگی و بیداری خود را در مقابل خطر دشمن حفظ کنید. خیال نکنید که دشمن خوابیده، بلکه دشمن همیشه بیدار است. بنابراین آیه فوق بر آمادگی در عرصه های اطلاعاتی، نظامی، تسلیحاتی و بر آمادگی علمی نیز دلالت دارد (آیت الله نوری، درس خارج فقه، ۱۳۸۷/۷/۲۲). در خصوص آیه حذر نیز می توان گفت این آیه تنها در مقام بیان آماده باش و اتخاذ روش های مشروع است، نه در صدد بیان آموزش علوم و فناوری ساخت سلاح هسته ای که هیچ کاربرد جز حرام ندارد.

### ج) آیات مقابله به مثل

آیات مقابله به مثل، نیز یکی دیگر از ادله جواز آموزش دانش ساخت سلاح هسته ای است. جواز مقابله به مثل، در آیاتی اعتداء به مثل، «فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ» (بقره، آیه ۱۹۴)، معاقبه به مثل «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ» (نحل، ۱۲۶) و جزاء مثل «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا» (شوری، ۴۰). مطرح شده است. اما در این تحقیق مراد از آن جواز آموزش فناوری ساخت و استفاده از سلاح هسته ای در مقام مقابله به مثل است. در فقه اسلامی ظاهراً تا حدودی قانون مقابله به مثل یک امر پذیرفته شده است. مستند آن هم آیه ۱۹۴ سوره ی بقره است، که هر کسی به ناحق به حریم دیگری تجاوز کند، دیگری حق مقابله به مثل را دارد. لذا این قاعده، در بسیاری از ابواب فقه به نحو اجمال جاری می گردد. از منظر روایت نیز مقابله به مثل مشروع است؛ امیرمؤمنان ۷ در این باره می فرماید: «سنگ را از همان جایی که دشمن پرت کرده، باز گردانید، که شر را جز شر پاسخی نیست.» (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۴، ص ۵۳۰). بنابراین در فرض مقابله به مثل آموزش دانش ساخت سلاح هسته ای مجاز خواهد بود.

در خصوص جواز آموزش دانش ساخت سلاح هسته ای در صورتی مقابله به مثل نیز باید گفت، اولاً: آیه، اطلاق ندارد تا از آن حتی مقابله به مثل با سلاح هسته ای استفاده گردد. ثانیاً:

بر فرض که مقابله به مثل اطلاق داشته باشد، ولی عمومیت آن با سایر ادله شرعی محدود خواهد شد.

ثالثاً: هرچند برخی باور دارد که اصل جواز اقدام تلافی جویانه است (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۶۳). ولی در مقابل بسیاری از اندیشمندان و فقهاء اصل را عدم جواز مقابله به مثل دانسته‌اند و اجرای آن را تنها در موارد که شارع مجاز دانسته‌اند مشروع می‌دانند. زیرا اقدام تلافی جویانه از آن جا که ظلم، تجاوز و گناه است، نمی‌توان آن را براساس اصل دانست بلکه تنها در آن مواردی که شارع اجازه داده است، اجرای آن مجاز خواهد بود (غزالی، [بی‌جا]، ج ۳، ص ۲۷۹). بنابراین قاعده مقابله به مثل، بسان بسیاری از قواعد فقهی و عمومات، دارای استثناهایی است؛ به این دلیل اگر کسی به فردی ظلم کرد، شخص مظلوم مجاز به ظلم علیه او، و یا دیگران نیست؛ زیرا ظلم شرعاً و عقلاً حرام است و این حکم تخصیص بر نمی‌دارد. تا ظلم علیه ظالم جایز باشد. و یا اگر شخصی، اموال و املاک فردی را غصب کرد، فرد متضرر نمی‌تواند از باب اقدام تلافی جویانه اموال غاصب را نیز غصب کند؛ و هم چنین کسی که مالش توسط شخصی سرقت شده است، از باب مقابله به مثل مجاز به سرقت مال سارق نیست؛ و یا آن کسی که غارت گران اموال او را غارت کرده‌اند، وی مجاز به راه زنی از آنان نمی‌باشد (حیدر، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۶۷).

رابعاً: اجرای مطلق مقابله به مثل، مخالف ادله حرمت کشتار بی‌گناهان و وِزَر است؛ در فقه قاعده تحت عنوان وِزَر وجود دارد، که مستند آن افزون بر عقل، آیاتی از قرآن کریم است؛ مانند آیات ۱۵ اسراء، ۱۶۴ انعام، ۷ نجم و ۱۸ فاطر «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى؛ هیچ بردارنده‌ی بار کناه دیگری را بر نمی‌دارد.»

خامساً: اقدام مقابله به مثل نباید باعث اسراف در کشتار گردد. زیرا، آیه «اسراف در قتل» نیز کشتار غیر متجاوزین را تحریم کرده است. پس در اقدام متقابل یا قصاص نیز کشتار غیر قاتل از نظر اسلام «اسراف در کشتار» است، قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُوراً؛ (اسراء، ۳۳). اسراف در قتل هم به معنای گذر از حد شرعی کشتن انسان‌ها است،

که در برخی از روایات تفسیری نیز مراد از «اسراف در کشتار» کشتن غیر قاتل و یا مثله کردن قاتل دانسته شده است (حرعاملی، ۱۴۱۱، ج ۲۹، ۱۲۷، ح ۲؛ کلینی، ۱۴۳۰، ج ۱۴، ص ۵۳۵). از این رو، آموزش دانش ساخت و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در حالت مقابله به مثل و قالب حکم ثانوی نیز حرام است.

### ۳. روایات

اکنون روایات که بر جواز آموزش فناوری صنایع اسلحه سازی اشاره دارد یک نمونه مورد بحث قرار می‌گیرد.

#### الف) روایت تحف العقول

یکی از روایت‌های که می‌توان بر جواز آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای به آن استناد کرد، روایت تحف العقول است. بخشی از آن بر جواز آموزش دانش که دارای منافع عقلانی است دلالت دارد: «وَكُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ لَهُم فِيهِ الصَّلَاحُ مِنْ جِهَةٍ مِنَ الْجِهَاتِ فَهَذَا كُلُّهُ حَلَالٌ...» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۴۶). هر آن چیزی که جهتی از زندگی اجتماعی انسان را اصلاح نمایند، در این صورت آموزش و... آن جایز و حلال است. لذا برای ارتقای قدرت نظامی و دفاعی سربازان اسلام، می‌توان از این روایت حکم جواز آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای را استفاده کرد.

اما در باره‌ی مفاد روایت تحف العقول باید گفت اولاً: روایت مشکل دارد؛ زیرا از نظر سند مرسل است و از لحاظ متن نیز مضطرب. از این رو، در بحث آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای اعتماد به آن بسیار مشکل است. ثانیاً: نمونه‌ی از سلاح‌های کشتار جمعی بسان (سم) در عصر بیان ادله وجود داشته است اما نه تنها هیچ‌گونه دستوری برای آموزش فناوری ساخت آن برای آماده باش دفاعی از سوی شارع صادر نشده است، بلکه حتی از کاربرد آن نیز در جنگ نهی شده است: «قَالَ: عَلَى الْإِسْلَامِ إِنْ النَّبِيُّ ﷺ نَهَى أَنْ يُلْقَى السَّمُّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ؛ رسول خدا ﷺ از پاشیدن سم در شهرهای مشرکان نهی کرده است» (کلینی، ۱۴۳۰، ج ۵، ص ۲۸؛ حرعاملی، ۱۴۱۱، ج ۱۵، ص ۶۲، ح ۱). به نظر می‌رسد، این روایت،

افزون بر حرمت تولید و کاربری سلاح هسته‌ای، بر حرمت آموزش دانش اختصاصی تولید آن نیز دلالت روشن دارد. زیرا تولید و کاربرد هر سلاحی، فرع بر آموزش دانش تولید آن است. لذا سلاحی که از نظر اسلام مشروعیت کاربردی ندارد، یقیناً آموزش دانش ساخت آن نیز مبعوض شارع و کار حرام است.

#### ۴. قاعده نفی سبیل

یکی از ادله جواز آموزش دانش ساخت سلاح هسته‌ای، قاعده نفی سبیل است، که افزون بر روایت «الإسلام یعلو ولا یعلی علیه.» (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۳۳۴) مستند اصلی قاعده آیه شریفه ۱۴۱ سوره نساء است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.» براساس آیه فوق، خداوند به هیچ وجه اجازه نمی‌دهد تا کفار بر مسلمانان تسلط پیدا کنند. از این رو، این آیه هرنوع سیطره‌ی کفار بر مسلمانان را در عرصه‌های سیاسی، نظامی و علمی نفی می‌کند. از آن جا که آموزش دانش و فناوری ساخت تسلیحات هسته‌ای باعث حفظ اقتدار نیروهای اسلام در عرصه‌های نظامی، دفاعی و علمی می‌گردد. لذا برخی براساس قاعده فوق، آموزش فناوری اختصاصی ساخت سلاح‌های هسته‌ای را مشروع تلقی کرده‌اند (سیفی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۲۳۷-۲۳۸).

#### فرجام

در نگاه بیانیه گام دوم انقلاب، هرچند اصل آموزش دانش و فناوری مجاز است ولی دستیابی و آموزش فناوری اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای از باب إعانه براهم، ضرر، فساد و فراهم نمودن مقدمه حرام، حرام است. هرچند برخی از ابراز نظرهای فقه پژوهان حکایت از جواز دستیابی به دانش اختصاصی ساخت سلاح هسته‌ای بر پایه‌ی برخی از ادله دارند. لکن با توجه به ادله حرمت، از اطلاق ادله جواز نمی‌توان برداشت حکم اولی جواز دستیابی به دانش و فناوری اختصاصی سلاح هسته‌ای کرد. زیرا، آیه مقابله به مثل اطلاق ندارد تا از آن حتی مقابله به مثل با سلاح هسته‌ای استفاده گردد. ثانیاً: بر فرض که

مقابله به مثل اطلاق داشته باشد، ولی عمومیت آن با سایر ادله شرعی محدود خواهد شد. در آیه اعداد نیز روش آمادگی و آموزش فناوری ساخت ابزار نظامی مشروع، مفروغ عنه گرفته شده است، به این دلیل از اطلاق امر به وجوب اعداد نمی توان مشروعیت هرگونه روش و آموزش دانش ساخت تسلیحات نظامی و دفاعی را به دست آورد. اما با این حال در صورتی که دستیابی و آموزش دانش اختصاصی ساخت سلاح هسته ای منجر به بازدارندگی، مهندسی معکوس و یا مقابله با آسیب های کاربست سلاح دشمن گردد، در این فروض مجاز خواهد بود.

## پی‌نوشت

- .....
- برای اصل، معانی مختلفی مطرح شده است که اجمالاً به آن‌ها اشاره می‌شود:
- (الف) اصل به معنای اساس و ریشه چیزی است. (ابراهیم انیس، و دیگران، معجم الوسیط، ص ۲۰).
- (ب) اصل به معنای اغلب وقوعاً، این مفهوم از اصل در واقع بیان‌گر غلبه وقوع عینی و خارجی یک حادثه یا چیزی است.
- (ج) اصل به معنای قاعده کلی و عام بسان؛ برخی از اصول برگرفته از آیات و روایات که در ابواب گوناگونی فقهی کاربرد دارند و به آن قواعد فقهی گفته می‌شود.
- (د) اصل به معنای اصل عملی در فقه (دلیل حیث لادلیل) است، بنابر آنچه گفته شد، در این بحث مراد از اصل، اصل عملی فقهی است که اگر چیزی حالت استثنائی داشته باشد، الزاماً باید با دلیل ثابت گردد و در غیر این صورت اصل بر مورد مشکوک هم‌چنان حاکم خواهد بود.

## کتابنامه

### قرآن

#### نهج البلاغه

- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، الناشر، دار صادر، ۱۴۱۴ق.
- انصاری، شیخ مرتضی، کتاب المکاسب، چاپ اول، قم، ناشر، دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
- انیس، ابراهیم و دیگران، معجم الوسیط، چاپ دوم، بیروت، ناشر، دار الأمواج، ۱۴۱۰ق.
- بجنوردی موسوی، سید میرزا حسن، القواعد الفقهیه، چاپ اول، قم، ناشر، نشر الهادی، ۱۴۱۹ق.
- حاج عبدالله، ماهوشنزا، مدامشروعیت اسلحه الدمارالشامل فی ضوء احکام الشریعة الاسلامیه، ریاض، دانشگاه نایف العربیة للعلوم الأمنیه، گروه العداله الجانیة، ۱۴۲۵ق.
- حرانی، حسن بن شعبه، تحف العقول، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- حراملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، مؤسسه آل البیت، لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۱ق.
- حسینی شیرازی، سید محمد، الفقه البیئة، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الوعی الإسلامی، ۱۴۲۰ق.
- حیدر، علی، درر الحکام شرح مجله الأحکام، ریاض، ناشر، دار عالم الکتب، ۱۴۲۳ق.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانیه گام دوم انقلاب، تهران، ناشر، انتشارات انقلاب اسلامی، سال ۱۳۹۷هـ.
- ؛ نخستین پیام به کنفرانس بین المللی خلع سلاح هسته‌ای و عدم اشاعه، ۱۳۹۸/۱/۲۸.
- الخلف، دکتر، جمیل بن عبدالحسین، قاعدة المعاملة بالمثل وتطبيقاتها الفقهیة، جامعة الامام محمد بن سعود الاسلامیة، ۱۴۲۸ق.
- خمینی، روح الله، المکاسب المحرمة، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۵ق.
- بدائع الدرر فی قاعدة نفی الضرر، چاپ سوم، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۵ق.
- خوانساری، آقا جمال الدین محمد، شرح برغررالحکم و دُرر الکلم، چاپ اول، طهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ش.
- خوئی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه فی المعاملات، الطبعة الاولى، قم، مکتبه الداوری، ۱۳۷۷.
- راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن، دمشق، دارالقلم و بیروت، دارالشامیة، ۱۴۱۶ق.
- راوندی، قطب الدین سعید بن عبدالله، فقه القرآن، تحقیق: سید احمد حسینی، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ق.

رشیدرضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، مصر، الناشر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۰م.

ری شهری، محمد، موسوعة العقائد الإسلامية، چاپ دوم، قم، ناشر، مؤسسه علمی فرهنگی، دارالحديث، ۱۳۸۴هـ.

الزحيلي، دکتر وهبه بن مصطفى، التفسير المنير التفسير المنير في العقيدة والشرعة والمنهج، دمشق، الناشر، دارالفكر المعاصر، ۱۴۱۸ق.

سرخسی، محمد بن احمد شمس‌الائم، المبسوط، بیروت، دارالمعرفة للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م.

سبحانی، سعید، نیل الوطر من قاعدة لا ضرر، قم، ۱۴۲۰ق.

سینی، علی اکبر، مبانی الفقه الفعّال فی القواعد الفقهية الاساسية، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۵ق.

شهید الاول، محمد بن مکی، ذکرى الشيعة فى أحكام الشريعة، چاپ اول، قم: مؤسسة آل البيت (عليه السلام)، ۱۴۱۹ق.

شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین، چ ۲، ۱۴۰۴ق.  
شیخ طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: احمد حبیب قیصر العالمی، مکتب الاعلام العالمی، [بی جا] ۱۴۰۹ق.

صدر، سید محمد باقر، دروس فی علم الاصول، چاپ دوم، بیروت، دارالکتب اللبنانی، ۱۴۰۶ق.  
طباطبایی، علی بن محمد علی، ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالدلائل، قم، مؤسسه آل البيت ۱۴۱۸ق.

طیب، سید عبدالحسین، اطيّب البیان فی تفسیر القرآن، ناشر، مؤسسه سبطین، ۱۳۸۶هـ.  
عاملی غروی، جواد بن محمد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ق.

علامه حلّی، حسن بن یوسف، مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه، چاپ دوم، قم، ناشر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.

علامه طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، الناشر، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، ۱۳۶۳هـ.

- غزالی، محمد، **احیاء العلوم الدین**، محقق: عبدالرحیم بن حسین حافظ عراقی، الناشر، دار الكتاب العربی، [بی جا].
- فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، الطبعة الثانية، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم، مؤسسه دار الهجرة، ۱۴۰۹ق.
- فاضل لنکرانی، محمد جواد، **مکاسب محرمة**، قم، نشر مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۳۹۶.
- فخرالرازی، محمد بن عمر، **التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)**، چاپ سوم، بیروت، ناشر، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- فیومی، احمد بن محمد، **مصباح المنیر**، چاپ اول، قم، نشر، دارالهجرة، ۱۴۰۵ق.
- کاسانی، علاء الدین، **بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع**، چاپ اول، پاکستان، المكتبة الحبيبة ۱۴۰۹ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، قم: مؤسسه دارالحديث العلمیة والثقافیة ۱۴۳۰ق.
- محسنی، محمد آصف، **حدود الشریعة**، چاپ اول، قم، ناشر، بوستان کتاب، ۱۴۲۹ق.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن، **شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
- مدرسی، سید محمدتقی، **الفقه الإسلامی احکام جهاد**، چاپ اول، قم، ناشر، انتشارات محبان الحسین (علیه السلام)، ۱۳۸۰هـ.
- **الفقه الإسلامی تعلیقات علی العروة الوثقی و مهذب الأحکام**، چاپ اول، بیروت، ناشر، دارالقارئ، ۱۴۲۷ق.
- **الوجیز فی الفقه الإسلامی (فقه الحیة الطیبة)**، چاپ چهارم، تهران، ناشر، انتشارات محبان الحسین (علیه السلام)، ۱۴۲۷ق.
- مشکینی، میرزا علی، **اصطلاحات الأصول و معظم ابحاثها**، چاپ پنجم، قم، دفتر نشر الهادی، ۱۴۱۳ق.
- **مصطلحات الفقه**، قم، نشر، مؤسسه دارالحديث العلمیة والثقافیة، مرکز للطباعة والنشر، ۱۴۳۴ق.
- مصباح، محمد تقی، **آموزش فلسفه**، تهران، ناشر، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹هـ.
- مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، چاپ اول، تهران، ناشر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸هـ.

مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، زبده البیان فی احکام القرآن، تهران، المكتبة الجعفریه، [بی‌تا.]

—، مجمع الفائده والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، الناشر، مؤسسة النشر الإسلامی، لجامعة المدرسين بقم.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیرنمونه، طهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳هـ.

—، القواعد الفقہیہ، چاپ سوم، قم، مدرسه امام امیرالمومنین علیه السلام، ۱۳۷۰هـ.

—، انوارالفقاهه، کتاب التجاره، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۶ق.

—، نفحات الولایه، چاپ اول، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۶ق.

منتظری، حسینعلی، دراسات فی مکاسب المحرمه، چاپ اول، قم، نشر، مکتبه آیت الله العظمی المنتظری، ۱۴۱۷ق.

محمدی، منوچهر، انقلاب اسلامی زمینه‌ها و پیامدها، چاپ اول، قم، ناشر، معارف، ۱۳۸۰هـ.

نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.

نراقی، المولی احمد بن محمد مهدی، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام، [بی‌جا]، [بی‌تا].

—، مستند الشیعہ فی احکام الشریعہ، قم، الناشر، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۵ق.

نقوی حسینی، سید حسین، انقلاب اسلامی در تئوری و عمل، چاپ اول، قم، انتشارات علمی - فرهنگی صاحب الزمان، ۱۳۸۰هـ.

